

محمّد مسکّر خواجه

تالت

امپراتوران و دزدان دریایی

عهد کهن و عصر جدید — تروریسم بین‌المللی در جهان واقعی
ترجمهٔ محسن عسکری جهتی

فهرست

دبیاچه‌ای بر چاپ ۲۰۱۵	۹
دبیاچه‌ای بر چاپ ۱۹۸۶	۱۷
مقدمه (۲۰۰۲)	۲۹
۱. سلطه بر اندیشه‌ها: پرونده‌ خاورمیانه (۱۹۸۶)	۶۳
۲. تروریسم خاورمیانه و نظام ایدئولوژیک ایالات متحد آمریکا (۱۹۸۶)	۹۹
۳. لیبی در گفتمان اهریمن‌شناسانه آمریکا	۱۸۳
۴. نقش آمریکا در خاورمیانه (پانزدهم نوامبر ۱۹۸۶)	۲۲۷
۵. تروریسم بین‌المللی؛ از خیال تا واقعیت	۲۵۷
مفهوم تروریسم	۲۶۰
تروریسم و فرهنگ سیاسی	۲۶۲
تروریسم بین‌الملل در دهه ۱۹۸۰	۲۷۵
دوران پیش از طاعون	۲۷۸
معیار: تروریسم خُرد	۲۸۴
ترور و مقاومت	۲۸۸
اقدام تلافی‌جویانه و تروریسم	۲۹۸
از نص‌گرایی شدید تا دکترین ضرورت	۲۹۹

- ۳۰۳ ۶. جهان پس از یازدهم سپتامبر
- ۳۳۳ ۷. آمریکا/اسرائیل در مقابل فلسطین (مه ۲۰۰۱)
- ۳۷۳ پی‌نوشت‌ها

سلطه بر اندیشه‌ها: پروندهٔ خاورمیانه

(۱۹۸۶)

از منظر تطبیقی و مقایسه‌ای می‌توان گفت ایالات متحد آمریکا در زمینهٔ گستردگی «آزادی بیان» و فقدان قید و بندهای محدودکنندهٔ بیان، اگر نگوییم منحصر به فرد، حتماً بسیار نادر و غیرمعمول است. از دیگر سو، در زمینهٔ راه‌ها و روش‌های بسیار کارآمدی که این کشور برای مهار «آزادی اندیشه» و سلطه بر اندیشه‌ها به کار می‌گیرد نیز بسیار زبانزد است. این دو پدیده با یکدیگر مرتبطند. نظریه پردازان لیبرال دموکرات سال‌ها باور داشتند در جوامعی که قرار است صدای مردم شنیده شود، نخبگان جامعه باید مطمئن باشند صداهایی شنیده می‌شود که باید شنیده شود. دولت‌ها هر اندازه در به کارگیری قوهٔ قهریه و خشونت برای تأمین منافع گروه‌های نخبه‌ای که دولت را در اختیار دارند ناتوان باشد، ضرورت آنچه والتر لیپمن^۱ روزنامه‌نگار سرشناس آمریکایی شصت سال پیش «جعل رضایت عامه» یا «مهندسی رضایت عامه» نامید، بسیار بیش‌تر می‌شود. این اصطلاحات مورد توجه ادوارد

1. Walter Lippmann

برنایز^۱ پدر صنعت تبلیغات و از بنیانگذاران صنعت روابط عمومی قرار گرفت. سال ۱۹۳۳ هارولد لاسول^۲ در دانشنامه علوم اجتماعی در شرحی که بر واژه پروپاگاندا (تبلیغات) آورد، نوشت: «ما نباید اسیر جزم‌اندیشی‌های دموکراتیک شویم و همواره باور داشته باشیم که هر فرد بهترین کسی است که می‌تواند منافع خود را به بهترین نحو تشخیص دهد، بلکه باید در جستجوی راه‌هایی باشیم که تضمین کند مردم تصمیماتی را که رهبران دوراندیش آن‌ها اتخاذ کرده‌اند، تأیید و حمایت می‌کنند و این درسی بود که نخبگان حاکم سال‌های بسیار دور آموخته بودند و برآمدن صنعت روابط عمومی نمونه بسیار روشنی از این مدعاست. تا وقتی رهبران سیاسی می‌توانند با خشونت‌ورزی اطاعت مردمان را با خود همراه کنند، به سوی رویکردهای رفتارگرایانه تمایل پیدا می‌کنند. تنها کافی است که مردم مطیع باشند، در این صورت هیچ اهمیت ندارد به چه می‌اندیشند و چه افکاری دارند. اما اگر نظام‌های سیاسی از ابزار کافی برای اعمال خشونت و قوه قهریه برخوردار نباشد، افکار و اندیشه‌های مردم برای نظام سیاسی اهمیت پیدا می‌کند.»^(۱)

در گستره طیف‌های سیاسی و در میان روشنفکران چنین رویکردی وجود دارد و حتا زمانی که طیف‌های سیاسی بر حسب شرایط دچار تغییر و تحول می‌شوند، همچنان این رویکرد را حفظ می‌کنند. راینهولد نیبور^۳ نظریه‌پرداز اخلاق‌گرای سیاسی از منظر مسیحیت چپ‌گرا در سال ۱۹۳۲ نوشت: «ناظران آرام و آگاه، با عنایت به حماقت مردمان متوسط موظفند توهمات لازمی را که مولد ایمان است بیافرینند تا بر اذهان مردمانی که ایمان کم‌تری دارند، تزریق شود.»^(۲) این رویکرد درست به همان اندازه که به طور عام در تفاسیر لیبرال وجود دارد، در مکتب لنینیستی نیز مشهود است. بمباران آوریل ۱۹۸۶ کشور لیبی را در نظر بگیرید. در آمریکا بدون این که تعجب کسی برانگیخته شود این واقعه موفقیت بزرگ صنعت

روابط عمومی قلمداد می‌شود که در ایلینوی آمریکا و شهر پیوریا به خوبی نقش‌آفرینی می‌کند. آثار سیاسی مثبت این واقعه باید می‌توانست موضع رئیس‌جمهور رونالد ریگان را در کنگره تقویت کند تا بتواند با دست بازتری در باره بودجه نظامی و کمک به کنتراهای نیکاراگوئه اقدام کند. دکتر ایورت لاد^۱، یکی از سرشناس‌ترین نظریه‌پردازان حوزه افکار عمومی، باور دارد: «این نوع از پویش‌های آموزش عمومی عصاره و چکیده سیاستمداری و کشورداری است.» وی در ادامه می‌افزاید: «رئیس‌جمهور باید در زمینه مهندسی رضایت عامه و افکار عمومی دخالت مستقیم داشته باشد. این همان رویکرد اورولیسیم در علم روابط عمومی و در میان دانشگاهیان و نخبگان و بسیار الهام‌بخش آن‌هاست تا در خصوص نابودی مشارکت معنادار و دموکراتیک عامه مردم در شکل‌دهی سیاست‌های عمومی چاره‌جویی کنند.»^(۳)

«مهندسی رضایت دموکراتیک عامه مردم» در حادثه‌ترین شکل خود در جوامعی بروز می‌کند که دولت قادر به دفاع از سیاست‌های خود نیست و این امر تا آنجا پیش می‌رود که به بحران نزدیک و این مقولات برای همگان جدی می‌شود. بدون شک مسائلی که در خاورمیانه برانگیخته می‌شوند بسیار مهمند، به ویژه بحران فلسطین و اسرائیل که به انبار باروتی می‌ماند که با اندک جرقه‌ای منفجر می‌شود و با توجه به درگیری ابرقدرت‌ها در مسائل منطقه‌ای خاورمیانه انفجار این انبار باروت می‌تواند به جنگ هسته‌ای نهای و ویرانگر بشریت منجر شود، چنان که در گذشته بارها به این مرحله نزدیک شده‌ایم. از این مهم‌تر، سیاست‌های آمریکا شرایط را در آن منطقه عملاً در وضعیت تقابل نظامی دائمی قرار داده است. مبنای این سیاست‌ها افکار و عقاید نژادپرستانه‌ای است که چنانچه آشکارا بیان شود، هیچ کشوری آن را تحمل نخواهد کرد. علاوه بر این، میان آنچه مردم مطالبه می‌کنند و سیاست‌های دولتی شکاف بسیار زیادی وجود دارد. بر اساس آنچه در نظرسنجی‌ها

1. Edward Bernays
2. Harold Lasswell
3. Reinhold Niebuhr